حادثه‌ها

گرفتارشدن ۹۵۵ کارگر در معدن طلای آفریقای جنوبی

● مقامات محلی آفریقای جنوبی از ادامه عملیات نجات ۹۵۵ کارگر محبوس در معدن طلا خبر دادند.

بنابر اعلام رسانه‌های محلی از چهارشنبه‌شب و به دنبال وقوع توفان و قطعی برق ۹۵۵ کارگر داخل معدن طلا گرفتار شدند که عملیات نجات آنان در حال انجام است. مقامات محلی آفریقای جنوبی دیروز اعلام کردند: قطعی برق رفع شده و کارگران نجات پیدا خواهند کرد. به گزارش شبکه خبری بی‌بی‌سی، در سال ۲۰۱۷ بیش از ۸۰ مورد فوتی در معادن آفریقای جنوبی گزارش شده است.

دستگیری فراری متهم به قتل

● فرمانده انتظامی تایباد گفت: فراری متهم به قتل که قصد خروج از کشور را از طریق مرز دوغارون تایباد داشت، در این شهرستان شناسایی و دستگیر شد.

سرهنگ حسین ناگهانی افزود: این متهم ۳۳ساله چند روز قبل در درگیری، صاحبکار ۴۵ساله خود را در تهران با ضربه میلگرد به قتل رسانده و متواری شده بود. وی اظهار کرد: متهم فراری که قصد داشت از طریق مرز دوغارون تایباد از کشور خارج شود، با هوشیاری مأموران انتظامی این شهرستان شناسایی و دستگیر شد. وی گفت: تحقیقات در این زمینه ادامه دارد.

انفجار در فولاد کویر دامغان یک کشته برجا گذاشت

● فرماندار دامغان گفت: انفجار در کوره ذوب مجتمع فولاد کویر این شهرستان، یک کشته و دو کارگر مصدوم بر جا گذاشته است. علی‌اصغر مجد افزود: این کارگر در این حادثه که چهارشنبه‌شب روی داد، بر اثر سوختگی شدید فوت کرد.

وی سقوط غلتک روی دیگ را علت انفجار کوره ذوب ذکر و اظهار کرد: دو کارگر مصدوم به بیمارستان ولایت منتقل شدند و حال عمومی آنان خوب گزارش شده است. فرماندار دامغان یادآور شد: این حادثه در دست بررسی است.

قربانی کودک آزاری به اتهام کودک‌کشی محاکمه می‌شود

شرق: پسری جوان که در کودکی مورد آزارواذیت قرار گرفته بود به اتهام قتل یک کودک پای میز محاکمه می‌رود. این متهم مدعی است به این دلیل مرتکب قتل شده که مقتول سرنوشتی مشابه او پیدا نکند.

خانواده پسری ۱۱ساله به نام ابوالفضل روز ۱۷ شهریور وقتی از غیبت پسرشان مطلع شدند به پلیس آگاهی رفتند و موضوع را گزارش دادند. آنها گفتند فرزندشان برای بازی به پارکی در نزدیکی خانه‌شان واقع در میدان رازی رفته و بعد از آن ناپدید شده است.

پس از طرح این شکایت تیمی از کارآگاهان پلیس آگاهی برای پیداکردن ابوالفضل وارد عمل شدند. آنها ابتدا به جست‌وجو در حوالی خانه این کودک پرداختند اما ردی از او به‌دست نیاوردند. همین امر دو فرضیه را پیش‌روی پلیس قرار داد؛ نخست آنکه کودک را با انگیزه انتقام‌جویی یا اخاذی ربوده باشند و دوم اینکه پسربچه به قتل رسیده باشد. احتمال صحت فرضیه اول بسیار ضعیف بود زیرا هیچ تماسی با والدین ابوالفضل گرفته نشده و درخواستی نیز اعلام نشده بود.

در شرایطی که امیدها برای زنده‌یافتن کودک بسیار کم‌رنگ شده بود، کارآگاهان سرنخ‌هایی به‌دست آوردند که نشان می‌داد پسربچه آخرین‌بار همراه یکی از جوانان محل به نام علی دیده شده است. به‌این‌ترتیب علی بازداشت شد.

این جوان ۲۳ساله که ابتدا مدعی بود خبری از این ماجرا ندارد، در بازجویی‌های تخصصی به اغفال کودک و قتل او اعتراف کرد. متهم گفت: «من در کودکی مورد آزارواذیت قرار گرفتم. این اتفاق زندگی‌ام را

تحت‌تأثیر قرار داد طوری که هرگز آرامش نداشتم و همیشه عصبی و مضطرب بودم. ابوالفضل من را یاد بچگی خودم می‌انداخت و به این فکر می‌کردم اگر بلایی که سر من آمد برای او هم تکرار شود، زندگی‌اش خراب می‌شود. به همین دلیل روز حادثه او را به بهانه دیدن کبوتر به خانه‌ام کشاندم و با ضربات چاقو کشتم. بعد از آن برای اینکه جسد را از بین ببرم و کسی متوجه قتل نشود، از برادرم کمک گرفتم. ما جنازه پسربچه را در یک چمدان گذاشتیم و به جاده تهران- قم رفتیم. سپس چمدان را در محلی خلوت رها کردیم».

مأموران بعد از شنیدن اعترافات متهم به محل اعلام‌شده رفتند و با پیداکردن چمدان جنازه کودک را یافتند و به پزشکی قانونی منتقل کردند. متخصصان بعد از انجام آزمایش‌های لازم اعلام کردند روی پیکر ابوالفضل آثار ۵۰ ضربه چاقو دیده می‌شود و او به‌علت شدت جراحات و خون‌ریزی زیاد جانش را از دست داده است.

پس از آن پرونده اتهامی علی در دادسرای امور جنایی تهران به جریان افتاد و متهم مدعی شد از بیماری روانی رنج می‌برد. او گفت این مشکلش در اتفاقی ریشه دارد که در کودکی برایش رخ داده بود.

متخصص پزشکی قانونی درباره ادعای علی تحقیق اما اعلام کرد او از نظر روانی سالم است و جنونی که مسئولیت کیفری را از او سلب کند، ندارد. متهم به این نظر اعتراض کرد به همین دلیل این‌بار تیمی سه‌نفره علی را مورد معاینه قرار دادند و آنها نیز همین نظر را تأیید کردند. متهم باز هم قانع نشد و اصرار کرد به جنون مبتلاست. سومین مرتبه گروهی پنج‌نفری از متخصصان به بررسی شرایط روانی علی پرداختند و آنها نیز به این نتیجه رسیدند که متهم جنون ندارد.

به‌این‌ترتیب تحقیقات مقدماتی از قاتل ابوالفضل تکمیل و قرار مجرمیت و کیفرخواست علیه او صادر شد.

تلفن ناشناس راز خیانت را برملا کرد

شرق: تلفن ناشناس خیانت زن و مردی را برملا کرد و همسران این دو از دادگاه درخواست طلاق کردند.

به گزارش خبرنگار ما، یک سال قبل مردی همسرش را به خیانت متهم کرد و با شکایت از او مدعی شد هرچند تازه از این خیانت مطلع شده، اما مدت‌هاست که همسرش با مرد دیگری رابطه دارد.

این مرد گفت: با مردی که مربی رزمی‌کار من است سال‌ها دوست بودم. ابتدا در باشگاه با هم آشنا شدیم و بعد رابطه ما نزدیک‌تر شد و با هم رفت‌وآمد هم داشتیم تا اینکه مدتی قبل فردی با تلفنم تماس گرفت شماره تماس غریبه بود و چون از یک تلفن عمومی تماس گرفته شده بود، قابل ردیابی نبود. آن فرد به من گفت بهتر است بیشتر مراقب همسرت باشی و به زندگی‌ات توجه کنی. زنت به تو خیانت می‌کند. من و همسرم با هم اختلافی نداشتیم و زندگی خوبی هم داشتیم. بااین‌حال این تماس زندگی من را به‌هم ریخت و تصمیم گرفتم همسرم را تعقیب کنم. بعد از چند روز تعقیب متوجه شدم تلفنی که به من شده کاملا درست است و همسرم با مربی رزمی‌کار من ارتباط دارد. از آن دو نفر وقتی با هم بودند عکس گرفتم و چند عکس هم وقتی همسرم در ماشین مربی رزمی‌کار بود، گرفتم. بعد از اینکه موضوع را به همسرم گفتم متوجه شدم این همه ماجرا نیست و او از سال‌ها قبل با مرد رزمی‌کار ارتباط داشته. او در تمام این مدت به من دروغ می‌گفته است. بعد از گفته‌های این مرد مأموران مرد رزمی‌کار و همسر شاکی را بازداشت کردند. هر دو متهم به داشتن رابطه اقرار کردند اما مدعی شدند تماس آنها فقط تلفنی بوده است. بااین‌حال متهمان برای تحقیقات بیشتر به دادگاه کیفری استان تهران فرستاده شدند.

آنها پای میز محاکمه رفتند و این‌بار علاوه بر همسر زن، همسر مرد رزمی‌کار هم از شوهرش شکایت کرد و گفت: من و شوهرم زندگی خوبی داشتیم، همه‌چیز خیلی خوب بود تا اینکه یک روز مأموران به خانه ما آمدند و شوهرم را به اتهام رابطه نامشروع بازداشت کردند. تازه آن‌موقع فهمیدم چه اتفاقاتی در زندگی‌ام افتاده است و دلیل رفتارهای اخیرش را متوجه شدم.

این زن گفت: من زن تحصیل‌کرده‌ای هستم و برای خودم درآمد دارم و بخشی از بار اقتصادی زندگی بر دوش من بود و هیچ‌وقت به خاطر این مسئله گلایه نمی‌کردم. مدتی قبل شوهرم اصرار کرد خانه را بفروشیم و خانه تازه‌ای بخریم. هرچه به او گفتم که در همین خانه راحت هستیم و چرا باید این کار را بکنیم قبول نکرد و درنهایت خانه را فروختیم و جای دیگری خانه خریداری کردیم. بعد از اینکه وسایل را بردیم چند قطعه فرش باارزش داشتیم که شوهرم گفت دیگر اینها را لازم نداریم و پولش را هم نیاز نداریم پس بهتر است آنها را به یک خیریه بدهیم و صدقه بچه‌هایمان کنیم. من هم قبول کردم اما چند روز بعد دیدم که فرش‌ها شسته شده آویزان در خانه روبه‌روی ماست. به شوهرم گفتم فرش‌های ما در خانه همسایه چه می‌کند زیر بار نرفت و گفت دچار توهم شده‌ای.

این زن گفت: بعد از اینکه شوهرم دستگیر و متهم به رابطه با زنی شد، متوجه شدم آن زن همان کسی است که در خانه روبه‌روی ما زندگی می‌کند و شوهرم برای اینکه به او نزدیک باشد، خانه را فروخته و فرش‌ها را هم به آن زن داده است و من هم از شوهرم درخواست طلاق دارم و خواستار مجازات او هستم.

بعد از گفته‌های دو شاکی پرونده، متهمان در جایگاه حاضر شدند. آنها اتهام رابطه نامشروع را قبول کردند و گفتند ما در حدی که با هم تماس تلفنی داشته باشیم، رابطه داشتیم و اتهامات دیگر را قبول نمی‌کنیم. این مسئله هم آن‌قدر جدی نبود که زندگی ما را نابود کند.

با پایان گفته‌های متهمان هیئت قضات هر دو متهم را به ۹۹ ضربه شلاق محکوم کردند و برای درخواست طلاق که دو شاکی مطرح کرده‌اند، پرونده را به دادگاه خانواده ارسال کردند.

رخداد

۵ عضو یک خانواده سارق منازل بودند

● فرمانده انتظامی استان گلستان از شناسایی و دستگیری ۵ نفر از اعضای باند خانوادگی سرقت منزل و اعتراف آنان به ۴۰ فقره سرقت خبر داد. سردار علی‌اکبر جاویدان گفت: دو نفر از اعضای باندی که به صورت گروهی و در نقاط مختلف استان گلستان، اقدام به سرقت لوازم خانگی، طلاجات و دیگر اشیای قیمتی می‌کردند، در پی کار اطلاعاتی، در یکی از خیابان‌های شهر دستگیر شدند. سردار جاویدان با اشاره به تحقیقات و ارائه شواهد و مدارک از سوی مأموران، تصریح کرد: متهمان در تحقیقات، تاکنون به ۴۰ فقره سرقت اعتراف کرده‌اند. وی افزود: با هماهنگی مراجع قضائی، سه نفر دیگر از اعضای این باند در چند عملیات دستگیر شدند و در بازرسی از مخفیگاه آنان، انواع وسایل و لوازم خانگی سرقتی کشف شد. فرمانده انتظامی گلستان عنوان کرد: از تمامی صحنه‌های سرقت بازسازی صحنه صورت گرفت و تعدادی از شاکیان نیز شناسایی شدند.

اعتراف جیب‌بر حرفه‌ای به ۱۳ فقره سرقت

● رئیس کلانتری مهرآباد جنوبی، با اشاره به دستگیری یک جیب‌بر حرفه‌ای در محله مهرآباد جنوبی، گفت: این متهم در بازجویی‌ها به ۱۳ فقره سرقت اعتراف کرد. سرهنگ حسن نورآبادی گفت: با وقوع چندین فقره سرقت و جیب‌بری در خیابان‌های این محله و شکایت شهروندان، مأموران انتظامی این کلانتری شناسایی و دستگیری این متهم را در دستور کار خود قرار دادند. این مقام انتظامی افزود: در بررسی‌های انجام‌شده و اطلاعات به‌دست‌آمده از مال‌باختگان چهره و مشخصات یک سارق حرفه‌ای و سابقه‌دار به دست آمد و تیم‌های عملیاتی برای دستگیری متهم وارد عمل شدند. وی افزود: با شناسایی این متهم محل‌های وقوع جرم و محل تردد وی شناسایی شد و این اقدامات ادامه یافت تا اینکه در نهایت، متهم در یکی از خیابان‌های محله مهرآباد شناسایی و در تعقیب و گریزی کوتاه با موتورسیکلت دستگیر شد. رئیس کلانتری ۱۱۹ گفت: متهم پس از دستگیری به کلانتری منتقل شد و در بازجویی‌های انجام‌شده به جرم خود مبنی بر ۱۳ فقره سرقت و جیب‌بری اعتراف کرد و در بازرسی از وسایل همراه وی سه دستگاه گوشی همراه مسروقه کشف شد.

چگونه با معدل ۱۰ رتبه ۱۵۲ کنکور شدن

با سلام و خسته نباشید به شما دانش‌آموزان عزیز
می‌دونم روزای سخت و حیاتی را پشت سر می‌گذارید. امیدوارم با توکل بر خدای بزرگ که هر چه داریم از اوست به موفقیت برسید.
من آرمان برزمینی هستم و مثل خودتون تا چند ماه پیش دانش‌آموز بودم و از مشکلات و دغدغه‌های شما آگاهی دارم. سعی کنید با تمرکز و پشتکار به درس خوندن ادامه دهید تا موفق بشوید.
من در سال ۸۸ در کنکور سراسری در رشته اتاق عمل پذیرفته و در سال ۹۲ فارغ‌التحصیل شدم و بعد از آن در بیمارستان استخدام شدم و شروع به کار کردم. بعد از مدتی احساس کردم با توجه به حجم کاری که دارم حقوق خوبی دریافت نمی‌کنم و از رشته خودم ناراضی بودم. شروع به درس خوندن دوباره کردم ولی احساس رضایت نداشتم و با توجه به آزمون‌هایی که شرکت می‌کردم پیشرفتی در درس‌هایم مشاهده نمی‌کردم و زمانی که در کنکور سراسری سال ۹۵ شرکت کردم و حائز رتبه ۱۱۱ هزار شدم دیگه کلا مأیوس و ناامید شدم و دیگه حتی فکر به دندانپزشک شدن یا پزشک شدن هم نمی‌توانستم بکنم. فکر می‌کردم یک آرزوی محال و نشدنی است. تا اینکه از طریق یکی از دبیران عزیزم با مشاوری به نام آقای حمیدرضا شیرنگی آشنا شدم که به نظرم نقطه عطفی در دوران تحصیلی من بود. از طریق ایشون با کتاب ۹۰۰ تست استاندارد زیست آشنا شدم که در کنکور سراسری ۹۶ وقتی ۶۸٪ به سوالای زیست پاسخ دادم پیش خود گفتم صد حیف و افسوس که این کتاب را بیشتر مرور نکردم.
در حالی که در سال قبلی که در کنکور ۹۵ شرکت کرده بودم درس زیست‌شناسی را در کنکور فقط و فقط ۱۱٪ زده بودم. از خوبی‌هایی دیگر آشنایی با این مشاور برای من آشنایی با محصولات انتشارات گلینا و

استفاده از دی وی‌دی‌های استاد حسین احمدی و تیم حرفه‌ای ایشان بود که در درس‌های عمومی و همچنین فیزیک و ریاضی آقای مهندس امیر مسعودی پیشرفت فوق‌العاده‌ای داشتم. به طوری که درس عربی که نقطه ضعف من بود از ۱۸٪ کنکور سال قبل به ۵۶٪ رسید که این پیشرفت را مدیون آشنایی با دی‌وی‌دی‌های استاد حسین احمدی هستم.
دانش‌آموزان عزیز راه رسیدن به مقصد فراوان است. مهم این است که انسان بهترین و کوتاه‌ترین راه را انتخاب کند تا مثل من و امثال من بخاطر پشیمانی مجبور نشود دوباره و از اول یک رشته دیگر را کنکور دهد. بهتر است که همان اول بهترین راه را انتخاب کنید.

حال که با عنایت خداوند مهربان و کمک های استاد حسین احمدی عزیز و همکاران محترم ایشان به رشته دندان پزشکی تهران رسیدم، بیش از هر چیز، رسیدن به این آرزو که روزی برایم دست نیافتنی و ناممکن بود را مدیون آشنایی با این موسسه هستم.

ارتباط تلفنی با استاد حسین احمدی ۰۹۱۲۱۹۶۵۷۰۲ از طریق پیامک ۰۹۱۲۱۰۰۹۶۵۶
گیلنا: گروه یادیار سازان لوح‌های فشرده نشر احمدی
تلفن‌های دفتر مرکزی: ۶۶۴۰۹۰۰۷-۰۲۱ ۶۶۴۰۹۰۹۰-۰۲۱

گیلنا

«چگونه دین و زندگی کنکور سراسری را ۱۰۰٪ زدم»
و با تراز ۱۰۴۷۲ به رتبه‌ی برتر کنکور رسیدم

استاد حسین احمدی

اولین و تنها مشاور و برنامه‌ریز کنکور از ایران / دارای مقالات برگزیده در کنفرانس‌های بین‌المللی آموزشی جهان: والنسیای اسپانیا inted2009 / رم ایتالیا، بانکوک تایلند و... / رتبه برتر مهندسی از دانشگاه تهران / تقدیر شده در بیش از ۲۰ منطقه آموزش پرورش سراسر کشور و دانشگاه / رتبه ۱ کارشناسی ارشد مترجمی عربی دانشگاه سراسری تهران / مؤلف جزوات، کتابها و لوح‌های فشرده آموزشی و برنامه ریز رتبه‌های برتر کنکور از سال ۱۳۷۳ تا به امروز / بنیانگذار برنامه‌های رادیو تلویزیونی «کنکور آسان است»، «درس خواندن آسان است»، «طعم مطالعه»، مدیر مسئول گیلنا و رمز زندگی

با سلام خدمت شما کنکوری‌های عزیز بنده محمد حسینی‌نیا دانشجوی میکروبیولوژی دانشگاه تهران هستم که درست مثل شما روزی درگیر مطالعه برای کنکور و تلاش برای رسیدن به رویاهایم بودم.

شاید خیلی از شما دوستان من این روزها ناامید باشید، شاید خیلی از شما عزیزان برنامه درستی برای مطالعه‌ی دروس کنکور ندارید، یا شاید روش صحیح مطالعه و تست‌زنی را نمی‌دانید.

ولی نگران نباشید من هم روزی عین شما بودم، بی‌هدف و بی‌برنامه‌ریزی درس می‌خواندم، ناامید بودم، حتی با ساعت مطالعه‌ی بسیار بالا نمی‌توانستم از درس خواندن نتیجه بگیرم از این همه تلاش بیهوده خسته می‌شدم و از پس تست‌ها برنمی‌آمدم. در آزمون‌ها ترازهای ضعیف کسب می‌کردم حتی از ۵۴۰۰ بالاتر نمی‌آمدم، در جزیره کلاس کنکور مناسبی هم وجود نداشت که بتوانم برای یادگیری و برطرف کردن مشکلاتم ثبت‌نام کنم.

پس به این نتیجه رسیده بودم که مطالعه برای کنکور بی‌فایده است و با ضعف در پایه‌ی آموزشی و بدون کلاس‌های کنکور اساتید بزرگ نمی‌توان نتیجه‌ی خوبی گرفت و عبور از سد کنکور ممکن نیست و کسی نمی‌تواند با امکانات کم به آینده‌ای درخشان امیدوار باشد.

از طرفی من همیشه علاقه‌مند به قبول شدن در یک رشته‌ی تحقیقاتی مرتبط با علوم سلولی، میکرو و ژنتیک بودم و علاقه به تحصیل در رشته‌ای بی‌حد و مرز و بی‌نهایت اسرارآمیز از علوم روز دنیا را داشتم ولی کنکور تمام آرزوهایم را درهم شکسته بود. روزها و شب‌های سرد پاییزی می‌گذشتند و من حتی برنامه‌ای برای تلاش کردن در راه آینده‌ام نداشتم.

اوضاع به همین طریق با هیچ هدف خاصی پیش می‌رفت و کم‌کم آماده‌ی درهم شکستن آینده و آرزوهایم بودم تا این که روزی توسط یکی از دوستانم با برنامه‌ی رادیویی «کنکور آسان است» آشنا شدم.

در لحظه‌ی اول از عنوان برنامه خنده‌ام گرفته بود، با خودم می‌گفتم مگر می‌شود کنکور آسان باشد؟! ولی پس از چند دقیقه گوش دادن به صحبت‌های مشاور برنامه؛ استاد حسین احمدی وجودم سرشار از امید، شوق و حرارت رسیدن به رویاهایم شد. و این حس فقط به دلیل صحبت‌های گرم و قاطع و فوق‌العاده انگیزشی استاد احمدی بود.

پس از برنامه با شماره تلفن‌های اعلام شده تماس گرفتم و پس از چندبار شماره‌گیری استاد تلفن را جواب دادند، اوضاع و احوال خودم و شرایط درس و امکانات موجود را برای ایشان توضیح دادم و استاد ابتدا با صحبت‌هایشان به من آرامش غیرقابل توصیفی منتقل کردند پس از آن یک برنامه‌ریزی اصولی به همراه منابع کارآمد و حرفه‌ای که همان دی وی دی‌های آموزشی بودند به من ارائه شد و استاد احمدی راه مقابله با تست‌ها و سؤالات را به روش ۷ تکنیک علمی تست‌زنی، به من آموختند. و به من فهماندند که کنکور یک سد نیست بلکه کنکور پلی است برای رسیدن به آینده‌ای بهتر.

سرانجام، به کمک این راهنمایی‌ها و مشاوره‌های استاد توانستم درس دین و زندگی کنکور را ۱۰۰ بزنم و تنها کسی باشم که از کیش به میکروبیولوژی دانشگاه تهران رسید.

هر لحظه خدا را شاکرم که راه موفقیت را برایم هموار کرد و در تمام مراحل و سختی‌ها وجودش را کنار خودم حس کردم. همچنین از زحماتی که مادر و پدرم طی این سال‌ها برایم کشیدند سپاسگزارم و دست‌بوسشان هستم.

در انتها از استاد حسین احمدی به‌خاطر مشاوره و راهنمایی حرفه‌ای و فوق‌العاده‌ی ایشان و برنامه‌ریزی‌های اصولی که برایم انجام دادند کمال تشکر را دارم و به شما عزیزان کنکوری پیشنهاد می‌کنم از همین حالا روش‌های غلط و ناکارآمد را کنار بگذارید و در صورت تمایل به مشاوره‌ای صحیح و برنامه‌ریزی اصولی با بنده‌ی حقیر تماس بگیرید. با تشکر از استاد حسین احمدی

ارتباط مستقیم با استاد حسین احمدی
۰۹۱۲ ۱۹۶۵۷۰۲
ارتباط با محمد حسینی‌نیا
۰۹۱۲ ۱۰۰۹۶۵۶

نمرات خام دروس امتحانی گروه آزمایشی: علوم تجربی

ردیف	عنوان درس	نمره درس
۱	زبان و ادبیات فارسی	۸۱/۲
۲	زبان عربی	۹۱/۵
۳	فرهنگ و معارف اسلامی	۱۰۰/۰
۴	زبان خارجی	۹۶/۰

ارتباط تلفنی با استاد حسین احمدی ۰۹۱۲۱۹۶۵۷۰۲ از طریق پیامک ۰۹۱۲۱۰۰۹۶۵۶
گیلنا: گروه یادیار سازان لوح‌های فشرده نشر احمدی
تلفن‌های دفتر مرکزی: ۶۶۴۰۹۰۰۷-۰۲۱ ۶۶۴۰۹۰۹۰-۰۲۱

ارتباط تلفنی با استاد حسین احمدی ۰۹۱۲۱۹۶۵۷۰۲
ارتباط پیامکی با استاد حسین احمدی ۰۹۱۲۱۰۰۹۶۵۶